



مفترنامه زمان ظهور



در این شماره می خوانیم:

تحلیلی به مناسبت روز جهانی صلح
نقش «آموزش توسل» در تربیت و تعالی کودکان
معناشناسی اوصاف مهدی و یمانی در روایات شیعی
تسلی دهنده به تمامی حق هدایت می کند
تأثیر فقدان عدل در مسئولان، بر تباهی جامعه
پاسخ امام احمد الحسن علیه السلام به اشکال شرعی یکی از معاندان

صلح جهانی؛ آرمانی که با منجی موعود تحقق می یابد

حاکم تعیین شده از طرف خداوند سبحان و متعال سخن گو از طرف خداست و حاکمی که از سوی خداوند سبحان و متعال معین نشده، سخن گوی شیطان است و تأکید می کنم که گوینده از طرف خدا، دین و دنیا را اصلاح می کند و گوینده از طرف شیطان دین و دنیا را به فساد و تباهی می کشاند.

سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم»



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیامبر اکرم

فهرست

- ۳.....تحلیلی به مناسبت روز جهانی صلح.....
- ۷.....نقش «آموزش توسل» در تربیت و تعالی کودکان.....
- ۹.....معناشناسی اوصاف مهدی و یمانی در روایات شیعی.....
- ۱۰.....تسلی دهنده به تمامی حق هدایت می کند.....
- ۱۳.....تأثیر فقدان عدل در مسئولان، بر تباهی جامعه.....
- ۱۵.....بررسی زمان شکل گیری نهاد خانواده.....
- ۱۹.....پاسخ امام احمدالحسن علیه السلام به اشکال شرعی یکی از معاندان.....
- ۲۰.....سجاد و زینب علیهما السلام.....



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۸۸، جمعه ۴ مهر
۱۳۹۹، ۷ صفر ۱۴۴۲، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



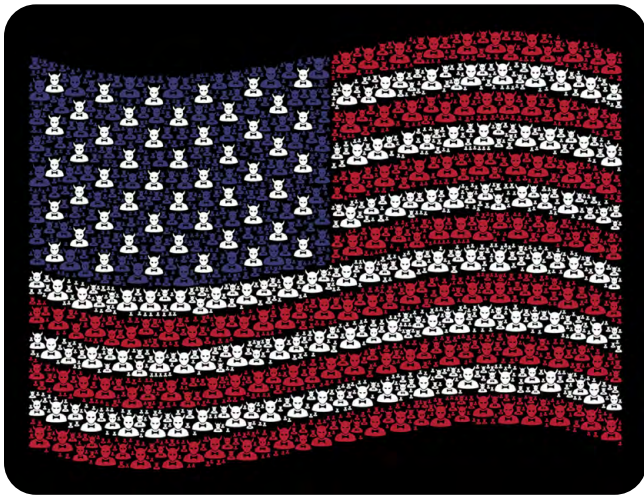
هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

پیامبر اکرم

تحلیلی به مناسبت روز جهانی صلح

حاکمان کشورهای قدرتمند به دنبال توسعه تسلیمات و بالابردن کیفیت آن هستند و از طرفی به فکر چپاول و سیطره بر منابع کشورهای دیگر و سرازیرکردنشان به جیب خود هستند و حاکمان کشورهای ضعیف نیز بسته به وابستگی‌های خود، منافع قدرت‌ها را اجرایی می‌کنند؛ پس تا وقتی وضع این چنین است، دستیابی به صلح چگونه امکان‌پذیر باشد؟



و امروز بزرگ‌ترین کشور حامی دموکراسی، آن زورگو و جنگ‌طلب و تنها استفاده‌کننده از تسلیمات مرگ‌بار اتمی و بزرگ‌ترین دارنده سلاح‌های کشتار جمعی ادعای هموارسازی صلح جهانی را دارد! او رژیم‌های جعلی را به عقد مزدورانی که در منطقه داشته، درمی‌آورد و این‌گونه القا می‌کند که خواهان صلح است!

به مناسبت روزی از روزهای پیشین که گذشت یعنی «روز جهانی صلح»، قصد داریم تا اندکی به این موضوع پردازیم و به پاسخ این سؤالات دست پیدا کنیم که مانع اصلی صلح در جهان چیست و ایجاد آن چگونه می‌تواند تحقق یابد؟

در تقویم میلادی ۲۱ سپتامبر هر سال به عنوان «روز جهانی صلح» شناخته می‌شود؛ نامی که سال‌هاست تنها اسم و شعاری از آن را می‌شنویم و حال اکنون آن اما همچون یک قاب عکس بر دیوار یک خانهٔ مخروبه است که غباری از ناامیدی روی آن نشسته است.

در زیر تیغ حاکمیت مردم

در حقیقت سال‌ها از حاکمیت مردم بر مردم می‌گذرد و توقع ایجاد صلح بین ممالک، در زیر سایهٔ این نوع حکومت‌ها تنها دیگر به آرزویی دست‌نیافتنی بدل شده است.

حکومت‌های قدرتمند هرچه می‌خواهند انجام می‌دهند؛ از قتل و کشتار و تبعیض و زورگویی و...؛ همچنین علایق مادی و خواست‌های نفسانی و باورهای متفاوت حاکمان زمین و رقابت‌های آنان برای کسب بیشتر قدرت و ثروت، تحقق صلح را دیگر ناممکن کرده است. همچنین ما به وضوح شاهد آن هستیم که

سید احمد الحسن علیه السلام:

پروانه به سوی نور می‌رود؛ ولی وقتی ابزار بینایی‌اش از بین برود، به تاریکی متمایل می‌شود. انسان نیز همین گونه است. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج، ۱، روشنگری

از دعوت ابراهیم و نوح علیهم السلام

می‌شمارد و رنگ و نژاد برای او اهمیتی ندارد؛ همان هدایتگری که تجلی اوصاف الهی است و بر مردم ترحم دارد.



برای او فرقی ندارد که حقوق مردم فلسطین چه می‌شود، یا برای او اشکالی ندارد که بحرین و امارات و سعودی و... با دیکتاتوری و به‌صورت موروثی اداره می‌شوند و آنان مخالفان خود را نابود می‌کنند؛ برای او تنها پیاده‌کردن خواست‌های نفسانی و تحقق آرمان شیطانی و ذلیل‌ساختن امت‌ها و بردگی آنان و رهبری خود بر دنیا اهمیت دارد.

آیا عاقلی می‌تواند بگوید که با وجود «حاکمیت مردم بر مردم» که سال‌ها در حال اجراست، باید تا روزی که زیر سایه آن صلح و آشتی برقرار شود، همچنان انتظار کشید؟ آیا انسان عاقل از تاریخ درس نمی‌گیرد و یک خطا را بارها تکرار می‌کند؟

و متأسفانه این صلح بین مردم کشورها نیز مشاهده نمی‌شود؛ فرهنگ‌ها و باورهای متفاوت و مسائل مادی تحقق این آرزو را ناممکن کرده است؛ به عبارتی دیگر مسائل مادی به مهم‌ترین اولویت مردم زمین مبدل شده است و این وضعیت روزبه‌روز بدتر می‌شود.

در حقیقت مردم از راهنمای اصلی خود فاصله گرفته‌اند و از معرفت و راه خدا دور شده‌اند و چون از راه خدا جدا شده‌اند، دنیای خود را به چنین وضعیتی دچار کرده‌اند.

رهبری الهی و صلح جهانی

آیا تا به حال به این سؤال اندیشیده‌اید که اگر جهان توسط رهبری الهی اداره می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد؟

کسی که برگزیده خداست و خواست او را به اجرا درمی‌آورد و خوشی او در ترس پروردگار است؛ پیشوایی که جان و منافع مردم را محترم

چگونه می‌توان تصور کرد که صلح و سلامتی با وجود چنین رهبری حاصل نشود؟ در ادامه این بحث لازم می‌دانیم روشنگری سید احمدالحسن علیه السلام را تقدیم کنیم تا برای آنان که هنوز به حاکمیت خدا اعتقاد ندارند، روشن شود که چرا حاکمیت خدا بهترین

سید احمدالحسن علیه السلام :

پیامبران و فرستادگان حجت بالغه (دلیل رسای) خداوند را اقامه می‌کنند و حجاب‌ها را از بصیرت انسان کنار می‌زنند؛ سپس آنان را رها می‌کنند تا خودشان انتخاب کنند.

روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری از دعوت ابراهیم و نوح علیهم السلام



حکیم‌ترین و داناترین آن‌ها که خداوند او را از لغزش‌ها و خطاها مصون می‌دارد و او را برای صلاح و اصلاح یاری می‌دهد. اما مردم هنگامی که با انتخاب خداوند سبحان و متعال به مقابله برمی‌خیزند انتخابشان جز بر بدترین خلق خدا واقع نمی‌شود.» پایان نقل قول.

می‌پرسیم آیا هنوز وقت آن نشده است که مردم بیدار شوند و به حاکمیت خدا روی آورند؟

به راستی دیگر چه اتفاقی باید بیفتد تا مردم آگاه شوند که هیچ صلحی زیر سایه حاکمیت مردم نخواهد بود!

بشارتِ اِشعیا و امید صلح

اما امروز، برقراری صلح و تحققِ خواست خدا، تنها با منجی امکان‌پذیر است؛ چراکه او برگزیده خداست و صلاح مردم را می‌داند؛ حال بیابید تا با هم اوصاف او را در فصل ۴۲ از کتاب اِشعیا مرور کنیم:

«۱ اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است، من روح خود را بر او می‌نهم تا انصاف را برای امت‌ها صادر سازد. ۲ او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن را در کوچه‌ها نخواهد شنواید. ۳ نی خردشده را نخواهد شکست و فتیله ضعیف را خاموش نخواهد ساخت تا عدالت را به راستی صادر گرداند. ۴ او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره‌ها منتظر شریعت او باشند.»

و او همان شاخه‌ای است که در اِشعیا، فصل

انتخاب مردم است؛ احمد الحسن علیه السلام در کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم» فرمود: «حاکم تعیین شده از طرف خداوند سبحان و متعال سخن‌گو از طرف خداست و حاکمی که از سوی خداوند سبحان و متعال معین نشده سخن‌گوی شیطان است و تأکید می‌کنم که گوینده از طرف خدا، دین و دنیا را اصلاح می‌کند و گوینده از طرف شیطان دین و دنیا را به فساد و تباهی می‌کشاند.»



خداوند سبحان و متعال آنچه را در نفوس است می‌داند و اصلاحگر را از مفسد می‌شناسد؛ بنابراین او ولی و جانشین خود را انتخاب می‌کند و برمی‌گزیند و این جانشین کسی نیست جز بهترین مخلوقاتش و برترین کسانی که در زمین هستند و شایسته‌ترین،

سید احمد الحسن علیه السلام:

موسی علیه السلام از شهر خارج می‌شود؛ در حالی که ترسان و مراقب است، و در حالی که به خداوند توسل می‌کند تا او را از قوم ستمگر نجات دهد؛ نه در طلب زندگی مادی که برای امثال موسی علیه السلام زندان محسوب می‌شود! بلکه به جهت اینکه بردوش کشیدن پرچم «لا اله الا الله»

برایش امکان‌پذیر شود. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری از دعوت موسی علیه السلام

پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند. ۷ و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد. ۸ و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. ۹ و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود؛ مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند.» [اشعیا، فصل ۱۱]

پس جهان نیاز به معرفت خدا دارد و این منجی یا همان غلام امین و دانا و همان تسلی‌دهنده و عده داده‌شده است که به تمامی حق هدایت می‌کند و زمین را از معرفت خدا پر خواهد کرد و او امروزین ماست و کسی نیست جز احمد الحسن؛ کسی که خدا و کتب آسمانی به حقانیت او شهادت می‌دهند؛ کسی که انبیا و اوصیا ذکر او و اوصاف و محل سکونت او را بیان داشته‌اند.

ای مردم، اگر به دنبال صلح و رسیدن به جامعه عالی انسانی در این جهان ظلمانی هستید، پس اینک مردی وجود دارد که خواهان انجام آن است و طالب رستگاری شما در دنیا و آخرت است؛ پس برای خودتان او را یاری کنید.

۱۱ ذکرش آمده است و در بخشی از این فصل درباره او می‌خوانیم: «۳ و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. ۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیرینان را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت. ۵ و کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت.»



حال بنگرید که دنیا با او به چه سمتی پیش می‌رود: «۶ و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و

سید احمد الحسن علیه السلام:

موسی علیه السلام تبری بر دوش نگرفت تا بتی را که جلوه‌گر عقاید ملت گمراه باشد در هم بشکند؛ بلکه رویارو به آنان حمله کرد، یکی از آنان را به قتل رسانید و قصد کشتن فرد دیگری را نیز داشت.

روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری از دعوت موسی علیه السلام

نقش «آموزش توسل» در تربیت و تعالی کودکان

مقدمه

در اصطلاح عام، به واسطه قراردادن افراد یا چیزی، توسل گفته می‌شود؛ همچنین یکی از اموری که انسان به واسطه آن می‌تواند به درگاه الهی تقرب جوید مسئله توسل است؛ این وسیله راهی است که اسلام برای نیل به زندگی مطلوب برای بندگان قرار داده است.

انسان نیز به سبب رسیدن به دنیا و آخرت مطلوب از این وسیله و میان‌بر استفاده می‌کند.

به سبب فرد، توسل می‌تواند راهگشای اطرافیان نیز قرار بگیرد.

بحث و بررسی

در معنای لغوی توسل به معنای این است که به وسیله احترام و مقام، آنچه نظری را جلب می‌کند به او نزدیک شود. [۱]

در قرآن و روایات صراحتاً به مسئله توسل اشاره شده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوید). [۲]

در این مسئله انسان چیزی را که موجب تقرب به درگاه خداوند

می‌شود واسطه نیل به هدف غایی خود قرار می‌دهد.

پیامبران و ائمه اطهار از پیشگامان و محبوب‌ترین وسیله‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را در درگاه الهی عرضه کرد.

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

(و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند به نزد تو [ای پیامبر] می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند). [۳]

در این آیه صراحتاً وساطت را برای شفاعت مطلوب و مفید تلقی کرده است.

پدر این امت برای امت خویش آمرزش می‌طلبد و آیاتی مانند آیه ۱۱۴ سوره توبه که بیانگر استغفار حضرت ابراهیم برای پدر بزرگ مادری خویش، آزر، است یا زمانی که حضرت یعقوب علیه السلام برای فرزندان خطاکار خود آمرزش طلبید.

پس مقوله توسل می‌تواند

به‌عنوان یک روش تربیتی کارساز واقع شود؛ چراکه در نگاه اول برای پدر و مادر این‌گونه تلقی می‌شود که می‌توانند در تربیت کودک خود موفق عمل کنند؛ اما آموزه‌های دینی به‌طور غیرمستقیم یک روش کاربردی و موفق به ما معرفی می‌کنند؛

توسل به خداوند برای تربیت بهتر و مؤثر کودک نه تنها عامل

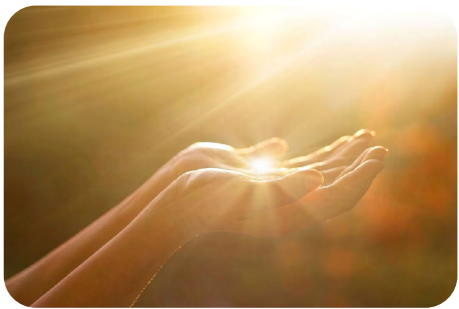
رشد و تعالی مادی و معنوی

در درگاه خداوند است، بلکه

این مهم در تعالی بخشی پدر و

مادر نیز کارآمد است؛ زمانی

که آن‌ها به سبب کسانی که در درگاه الهی مقرب هستند نه برای خویش و بدون توجه به خودش، بلکه برای شخص دیگری به درگاه محبوب متوسل می‌شوند.



این روش به‌نوعی یک روش غیرمستقیم در تربیت کودک محسوب می‌شود؛ زیرا همان طور که والدین برای یک

سید احمد الحسن علیه السلام:

موسی علیه السلام بر فرعون طاغوت وارد می‌شود، در حالی که در سینه‌اش این معنای بزرگ را با خود حمل می‌کند: «لا قوة الا بالله»؛ معنایی که فرعون و هامان و سربازانش را در چشم موسی علیه السلام پست‌تر از مگسی جلوه‌گر نمود. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری از دعوت

فردی است که در درگاه خداوند مقرب است؛ پس این کار زمانی می‌تواند مؤثرتر باشد که توسط کسی واقع شود که در درگاه خداوند نسبت به کودک دارای حق و مقام است. پس با توجه به اینکه در اسلام پیوند ناگسستی میان انسان و خدا برقرار است که سرچشمه‌ای از مودت به خدا دارد، انسان می‌تواند در سایه چنین تربیتی در همه حال به یاد خدا باشد و همواره از او استمداد جوید.

نتیجه‌گیری

با توجه به نقشی که توسل در اسلام دارد، پدر و مادر می‌توانند از این مسئله در تربیت کودک خود استفاده کنند. این مسیر نه تنها سبب تربیت نیکوی کودک می‌شود، بلکه می‌تواند در رشد و تعالی شخص توسل‌کننده هم مؤثر واقع شود.

ذکر خدا را به او بیاموز تا ذکرگفتن برای او عادت شود و بر آن رشد و نمو کند، و هنگامی که از منزل خارج می‌شود ذکر خدا بگوید و ممکن است هنگام خروج از منزل تنها به گفتن یا الله بسنده شود.

ذکر خدا فقط آخرتش را اصلاح نمی‌کند؛ بلکه سلامتی و حفظ از شر جن و انس و پلیدی‌ها را برای او به ارمغان می‌آورد،

و همه شما آرزوی آن را برای فرزندانتان دارید و گمان می‌کنم هرکدام از شما قادر به تقدیم این مقدار است.» [۴]

و ایشان در کلامی دیگر چه زیبا فرمودند که: «کودکان خود را در تاریکی‌های این زمین رها نکنید.» [۵] و این خود دلیل محکمی است بر اهمیت توسل به اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی انسان. توسل، خود وساطت قراردادن

دگرگونی مطلوب در کودک خود کوشش می‌کنند تا استعدادهای او را به فعلیت برسانند در این مسیر با توسل به اهل بیت مسیر رشد و کمال را برای کودک هموار می‌کنند.

سید احمدالحسن علیه‌السلام، یمانی موعود و فرستاده امام مهدی علیه‌السلام در نصیحتی به مادران فرمودند: «تلاش کن کودک را از شر انسان و جن و هر جنبنده‌ای با قرآن و دعا مصون و ایمن بداری؛ پس هنگامی که هر شب فرزندت می‌خواهد بخوابد او را با معوذتین -سوره فلق و ناس- و آیه‌الکرسی ایمن کن و سعی کن او نیز با شما هم‌خوانی کند و با گذشت زمان او نیز آن‌ها را حفظ خواهد کرد.

هنگامی که فرزندت از منزل به مدرسه می‌رود، به‌عنوان مثال



منابع:

۱. لسان‌العرب، ج ۱۱، ص ۷۲۴.
۲. سوره مائده، آیه ۳۵.
۳. سوره نساء، آیه ۶۴.
۴. نصیحت امام احمدالحسن علیه‌السلام به مادران، ۱۹/۱۲/۱۳۹۱.
۵. پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۷، سؤال ۷۳۶.

سید احمدالحسن علیه‌السلام:

فرعون و لشکریانش تکبر ورزیدند و مستحق عذاب شدند و در دریای گناهانشان غرق شدند تا درسی برای فرعون‌های این زمان و سربازانشان باشند. آیا کسی هست تا پیش از اینکه فرصت از دست برود، عبرت گیرد؟ روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری از دعوت موسی علیه‌السلام



معناشناسی اوصاف مهدی و یمانی در روایات شیعی

احتجاج کند و شما را به خود دعوت کند.
[الغیبة النعمانی، ص ۳۳۷]

اوصافی که در روایات شیعی برای شخصیت موعود ذکر شده متعدد است؛ ولی همه آنها در صدد بیان حقیقت واحدی هستند؛ اینکه بسیاری از اتفاقات ظهور مقدس به واسطه شخصیتی غیر از امام محمد بن الحسن علیه السلام اجرایی می‌شود؛ لذا بررسی میراث شیعی و بازخوانی آن، بسیار مهم دارد.



پژوهش «معناشناسی اوصاف یمانی در شناخت اوصاف یمانی» که اجراکننده مستقیم اوامر حضرت مهدی علیه السلام است به شما در شناخت هرچه بهتر شخصیت یمانی موعود بسیار کمک می‌کند؛ لذا شما خوانندگان عزیز را به مطالعه این مقاله، دعوت می‌کنیم. (جهت مطالعه بر روی کتاب کلیک کنید)



مسئله «مهدویت» از مهم‌ترین مباحث کلامی برای جامعه اسلامی است؛ زیرا به واسطه شناخت مهدی که در روایات اهل سنت با وصف «خلیفه خدا مهدی» معرفی شده و در روایات شیعی، موعود پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است، امت اسلامی از تفرقه نجات پیدا کرده و پرچم مهدی، آنها را به وحدت می‌رساند. این مسئله دارای ابهام بسیاری است؛ اما تعداد زیادی از علما و اندیشمندان درباره آن قلم‌فرسایی کرده‌اند؛ ولی با این حال به

نتیجه‌ای قطعی نرسیدند و نتوانستند رموز آن را بگشایند.

این وعده خدا بر زبان فرستاده‌های ایشان است که مسئله مهدی رمز آلود است و کسی نمی‌تواند آن رموز را رمزگشایی کند، مگر اینکه صاحب آن باشد:

مالک جهنی گوید: «به امام باقر علیه السلام گفتم: ما صاحب این امر را با صفتی وصف می‌کنیم که احدی از مردم چنان نیست؛ امام باقر علیه السلام فرمود: نه به خدا قسم که چنین نخواهد بود تا زمانی که خودش بیاید و بر شما بدان

سید احمد الحسن علیه السلام:

جماعت بنی اسرائیل به سبب اکرام به موسی علیه السلام نجات یافتند و هزاران نفر به سبب یک نفر، مورد کرامت قرار گرفتند، و فرعون و سربازانش غرق شدند؛ مرگ بر آنان باد!، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، برخی از مهم‌ترین نکات در دعوت موسی علیه السلام



تسلی دهنده به تمامی حق هدایت می‌کند

من است، می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد).
[یوحنا، باب ۱۶]



اما بر طبق این آیات مشخص است که بودن او، مفیدتر از بودن عیسی است، بعد از عیسی خواهد آمد، فرستاده‌ای از جانب عیسی مسیح است، جهان را برای گناه و عدالت و داوری توییح و سرزنش می‌کند، علومی را که شاگردان تحمل آن را نداشتند بیان می‌کند و از امور آینده خبر

در مقاله پیشین اشاره‌ای مختصر به علم و حکمت احمدالحسن داشتیم و بشارت عیسی به ایشان را مرور کردیم؛ اما در انجیل یوحنا نیز می‌توانیم بشارت دیگری را در رابطه با ایشان که به نقش تعلیم‌دهندگی اش اشاره دارد مشاهده کنیم؛ یعنی «تسلی دهنده».

در انجیل:

(۷ و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر بروم تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم. ۸ و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. ۹ اما بر گناه؛ زیرا که به من ایمان نمی‌آورند. و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید. ۱۱ و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است. ۱۲ و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم، لکن الآن طاقت تحمل آن‌ها را ندارید. ۱۳ ولیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد؛ زیرا که از خود تکلم نمی‌کند؛ بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. ۱۴ او مرا جلال خواهد داد؛ زیرا از آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. ۱۵ هرچه از آن پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن

سید احمد الحسن علیه السلام:

زهدی که عیسی علیه السلام در آشکار کردن آن برای مردم مبالغه می‌کرد، درمانی برای رفاه طلبی بود که بین علمای بنی اسرائیل فراگیر شده بود؛ همان‌هایی که بازندگی زیر سلطه کافران رومی آنس گرفته بودند. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری‌هایی از دعوت عیسی علیه السلام

در یوحنا ۱۴: ۱۶، جنسیتی مردانه دارد؛ یعنی: «*ἄλλον*»؛ و اگر مؤنث بود عبارت یونانی آن «*ἄλλην*» می‌شد؛ پس تسلی‌دهنده‌ای دیگر، از نوع جنسیتی عیسی است (که خود برحسب انجیل لوقا ۲: ۲۵-۳۱ تسلی‌دهنده بود)؛ یعنی یک مرد است.



اما در ارتباط با آنچه در آیه ۱۶ و ۱۷ آمده است؛ یعنی این عبارات: (۱۶) ... تا همیشه با شما بماند، ۱۷ یعنی روح راستی ... او را نمی‌بیند ... زیرا که با شما می‌ماند ... در شما خواهد بود)، چند نکته را به صورت مختصر از طریق کتاب مقدس بیان می‌کنیم و از خواننده می‌خواهیم تا به

می‌دهد؛ تمامی این ویژگی‌ها بر احمدالحسن منطبق است، کافی است به کتب و سخنان و بیانیه‌های ایشان مراجعه و آن‌ها را مطالعه کنید، کسی که حتی از امور آینده نیز خبر داده است. [مراجعه شود به کتاب کرامات و غیبات، از انتشارات رسمی انصار امام مهدی (علیه السلام)] اما مسیحیان معتقد هستند که تسلی‌دهنده، همان روح القدس است؛ ولی آیا روح القدس در جهان چنین عملی را انجام داد؟! آیا او جهان را توییح کرد؟! اگر گفته شود از طریق درونی توییح کرد می‌پرسیم مگر روح القدس به شریکان گناه کار متصل است تا آن‌ها را از درون توییح کند؟! همچنین در کلام عیسی مشخص است که تسلی‌دهنده علوم را بیان می‌کند که شاگردان عیسی تحمل آن را نداشتند؛ این در حالی است که نه تنها شاگردان بلکه حتی مسیحیان نیز به چنین علمی دسترسی پیدا نکردند و حتی به سوی بدعت و مخالفت با حقایق علمی شتافتند. در نتیجه متن نمی‌تواند ادعای مسیحیان را اثبات کند؛ اما می‌تواند به شخصی اشاره داشته باشد که صاحب روح القدس است.

اما در اینجا اشاره دیگری را در خصوص تسلی‌دهنده ارائه می‌کنیم: (۱۵) اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. ۱۶ و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، ۱۷ یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند؛ زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید؛ زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود. [یوحنا، باب ۱۴] توجه داشته باشید که معادل یونانی واژه «دیگر»

اما در اینجا اشاره دیگری را در خصوص تسلی‌دهنده ارائه می‌کنیم: (۱۵) اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. ۱۶ و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، ۱۷ یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند؛ زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید؛ زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود. [یوحنا، باب ۱۴] توجه داشته باشید که معادل یونانی واژه «دیگر»

سید احمد الحسن (علیه السلام):

محمد (صلی الله علیه و آله) ایایی ندارد هنگامی که این سفیهان، کودکانشان را تحریک می‌کنند تا ایشان را با سنگ بزنند و خون از بدنش سرازیر شود و در راه خداوند تحقیر شود. اگر مردم تکذیبش کنند اهمیتی نمی‌دهد. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری‌هایی از دعوت محمد (صلی الله علیه و آله)

در زمان آن‌ها و در ارتباط با آن‌ها نیست (ر.ک. تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۸) و ماندن در شاگردان به معنای روح القدس بودن تسلی دهنده نیست (ر.ک. یوحنا ۶: ۵۶؛ ۱۴: ۲۰؛ ۱۵: ۵؛ ۱۷: ۲۳)؛ در نتیجه پاسخ به شبهاتی که ممکن است در رابطه با شخصیت تسلی دهنده ایراد شود، در کتاب مقدس موجود است.

پس کسی که معتقد است تسلی دهنده روح القدس است باید بدون مغالطه به آنچه ارائه نمودیم پاسخ دهد؛ وگرنه مشخص می‌شود که او به دنبال حق نیست و صرفاً از روی تعصب، انکار می‌کند.

چنان که پیشتر بیان شد، اوصاف تسلی دهنده بر احمد الحسن علیه السلام منطبق است، کسی که دارای روح القدس است و با علم و حکمت آمده و به جمیع راستی هدایت می‌کند و از امور آینده خبر می‌دهد و ...

در نتیجه بر طبق آنچه در مقاله پیشین و این مقاله ارائه کردیم، احمد الحسن علیه السلام با رکن دوم آمده است و نصوصی که در رابطه با او هستند به این حقیقت گواهی می‌دهند. پس بر هر مسیحی لازم است که به علومی که ایشان منتشر فرموده است رجوع کند تا این حقیقت را به طور کامل درک کند.

به امید خدا در مقاله بعدی نکات مهمی را در رابطه با اشعیا، باب ۱۱، ارائه می‌کنیم. «اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.» [یعقوب ۴: ۱۵]

آدرس‌هایی که در مقابل هر توضیح، در پانویس ارائه شده است رجوع کند؛ اینکه تسلی دهنده تا همیشه می‌ماند، لزوماً به این معنا نیست که او روح است (ر.ک. ۱ تواریخ ۲۸: ۴) و اینکه او با عبارت روح راستی خطاب شده است لزوماً به این معنا نیست که او روح القدس است (ر.ک. ۱ یوحنا ۴: ۶) و اینکه جهان نمی‌تواند او را بیند لزوماً به معنای دیده نشدن با دو چشم مادی نیست (ر.ک. متی ۱۳: ۱۳) و ماندن با شاگردان و خطاب شدن آن‌ها لزوماً به معنای وقوع فعل



سید احمد الحسن علیه السلام:

هنگامی که ایمان نمی‌آوردند، [محمد صلی الله علیه و آله] اندوهگین می‌شد؛ چرا که او صلی الله علیه و آله می‌بیند در انتهای راهی که می‌روند، جهنم قرار گرفته است. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، روشنگری‌هایی از

دعوت محمد صلی الله علیه و آله

تأثیر فقدان عدل در مسئولان، بر تباهی جامعه

نمونه: جامعه عراق

چهارم: عدل

عدل: صفتی از صفات خداوند است و عادل نامی از نام‌های ذات مقدس اوست و صفت عدل یا عدالت، از اسم عادل گرفته شده است؛ پس زمانی که انسان بر تطبیق عدالت تلاش کند فقط در یک درجه نسبی می‌تواند و آن درجه زمانی است که بر انسان از معرفت و شناخت فطری در آن، الهام و وحی می‌شود. اما انسان، عدالت حقیقی یا مطلق را به‌طور کامل، نمی‌تواند بر خود منطبق سازد؛ جز اینکه آراسته به اسم عادل خداوند متعال شود و در آن هنگام است که در ذات خود (ذات انسانیت) و خارج آن، عادل و عدالتگر می‌شود و به همین دلیل می‌یابیم که امیر معرفت و مقصودها و منزلگاه‌ها و محل فرود آن‌ها، ممثل و نماینده خداوند در خلق خویش، مالک را در عهدنامه، به تقوا سفارش و امر می‌کند و هرگاه انسان با تقوا شود، عدالت نزد او حاصل می‌شود یا اینکه بگوییم عدالت را کسب کرده و آراسته به اسم عادل خداوند شده، نزد متقی، عدل و زیادت وجود دارد؛ و اما

کلام امام علی علیه السلام در خصوص عدل در عهدنامه چنین آمده است: «و لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَي ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَهْدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ وَ لَيَكُنُّ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعَهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ...»

«و بدان، هیچ چیز در تغییر نعمت‌های خدا و تعجیل انتقام و کیفرش، از اصرار بر ستم سریع‌تر و زودرس‌تر نیست؛ چرا که خداوند دعا و خواسته مظلومان را می‌شنود و در کمین ستمگران است.»

«وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ، تَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ.»

«هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند.»

«ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أْبْلَى، وَلَا تَضْمَنْ بَلَاءَ امْرِئٍ

إِلَى غَيْرِهِ، وَلَا تَقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بَلَاءِهِ، وَلَا يَدْعُونَكَ شَرَفُ امْرِئٍ إِلَى أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا، وَلَا ضَعْفُ امْرِئٍ إِلَى أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا.»



«و در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هریک از آنان را شناسایی کن، و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری مگذار و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار، تا شرافت و بزرگی کسی موجب نشود که

سید احمد الحسن علیه السلام:

آیا با محمد صلی الله علیه و آله با این سخنان برخورد نکردند: دیوانه، جن زده، جادوگر، پیشگو، دروغ‌گو، نادان و چیزهای دیگر. چطور استدلال می‌شود که حق با فرستادگان نیست؟! روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۲، روشنگری پیش از وقوع عذاب



**بدین حد به پایان می‌رسد، ای
خدای بهشت و جهنم!**

خداوندا از تو مسئلت داریم که ما را به سبب آنچه سفیهان و نادانان از ما انجام دادند، مؤاخذه نکنی و در زمره کسانی قرارمان ده که دولت و حکم خود را با آنان بر پا می‌کنی و ما را ارشاد کرده و هدایت و تأیید را به ما الهام بخش که تو بسیار مهربانی و آنچه را اراده می‌کنی انجام می‌دهی.

پاره‌هایی از عهد ماندگار، شهید
انمار حمزة المهدی

۱. رسول‌الله ﷺ فرمود: «وای وای بر امتم از شورای بزرگ و شورای کوچک. از ایشان درباره آن سؤال شد. پیامبر ﷺ فرمود: اما شورای بزرگ در شهر خودم بعد از وفاتم برای غصب خلافت برادرم و غصب حق دخترم منعقد می‌شود؛ و شورای کوچک در غیبت کبری در زوراء (بغداد) برای تغییر سنتم و تبدیل و عوض کردن احکامم منعقد می‌شود.» [مائتان و خمسون علامة، ص ۱۳۰]

کردند و دست‌به‌یکی کردند و نسبت به فرموده حضرتش ﷺ که امت را از دو شورای کوچک و بزرگ، [۱] قبل از قیام امام مهدی علیه السلام بر حذر داشته، گوش‌ها و سمع خود را به نفهمی زدند. پس چه زشت است آنچه آنان و فقهای گمراه خائنشان انجام دادند و می‌دهند؛ کسانی که به مشروعیت اعمالشان اقرار می‌کنند.



کسانی که رسول‌الله ﷺ آنان را شرورترین خلق خدا در زیر سایه آسمان توصیف می‌کند که فتنه از آنان خارج می‌شود و به سوی آنان باز می‌گردد. نتیجه این است: ظلم و ستم و قتل و آواره شدن... آیا بیشتر از این نیز وجود دارد؟ یا امر تا

کار کوچکش را بزرگ بشماری، یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی.» پس به واسطه عدل است که سنت‌ها و احکام، بر پا می‌شود و عدل، از مهم‌ترین صفاتی است که حاکم و دیگران باید دارا باشند و چون مدار بحث، محدود به اخلاقیات حکومت و حاکم است، لازم است تا به زیادت نرفته و از موضوع خارج نشوم... و من (پناه می‌برم به خدا از شرم‌نیت) از خواننده بزرگوار خواهشمندم که به آنچه در عالم واقعی و جسمانی ما و به خصوص در عراق هست با دیده انصاف و تسدید بنگرد که آیا آنچه امیر توحید علیه السلام، خواسته است، در میان حکام و استانداران و مشاوران و آنچه به عنوان نواب مجلس نامیده می‌شوند، این عهد و پیمان‌ها دیده می‌شود؟ هرگز... هرگز، به خدایی که دانه را شکافت و هسته خرما را به دو نیم کرد، هرگز هیچ عدلی در آنان دیده نمی‌شود؛ زیرا با قرآن (دستور الهی شامل و کامل) مخالفت کردند و غیر آن را برگزیدند و از اطراف آن پراکنده شدند و با وصیت رسول‌الله ﷺ که خلفا و فرمانروایان زمین بعد از خویش را تعیین کرده، مخالفت

سید احمد الحسن علیه السلام:

همواره می‌بینیم که عالم بی‌عمل گمراه مردم را به خوبی و ترک بدی دعوت می‌کند؛ ولی در عین حال، خود به نیکی عمل نمی‌کند؛ بلکه مال یتیم و زن‌های بی‌سرپرست را می‌خورد و از ضعیفان سوء استفاده و بهره‌کشی می‌کند و در راه خداوند جهاد نمی‌کند. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۲، روشنگری پیش از وقوع عذاب

بررسی زمان شکل‌گیری نهاد خانواده

قسمت اول

این امتیاز، گونه را در برابر انقراض مقاوم می‌کند و به او فرصت بیشتری برای بقا می‌دهد؛ زیرا هر دشمنی که بتواند بر یکی از افراد گونه غلبه کند، به این معنا نیست که الزاماً می‌تواند دیگر افراد آن گونه را نیز از بین ببرد؛ چراکه نقشه ژنوم آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد و در نتیجه آن‌ها با هم تفاوت و تمایز دارند و توانمندی‌ها و میزان مقاومت ایشان نیز متفاوت است.

مسئله شکل‌گیری خانواده و زمان آن در نوع بشر، یکی از مسائل پیچیده‌ای است که نظریه‌های مختلفی در خصوص آن ارائه شده است. برخی شکل‌گیری آن را حدود ده هزار سال پیش می‌دانند و دلایل خاص خود را دارند؛ اما در این مقاله پاسخ احمدالحسن به این سؤال را بررسی می‌کنیم.

«تولیدمثل جنسی (یا زادآوری با مشارکت زن‌ها بین دو فرد) نتیجه‌ای است که تکامل هنگام ترکیب و پیچیده‌شدن ساختار موجودات باید به آن دست یابد؛ زیرا این شیوه در واقع استراتژی بقای موجود شایسته‌تر نسبت به تولیدمثل غیرجنسی است؛ زیرا تولیدمثل غیرجنسی در گونه‌ای معین، یعنی اینکه افراد آن گونه عبارت‌اند از همانندسازی‌های یکسان و تکراری نقشه ژنوم؛ و به این معنا خواهد بود که هر نوع ضعف در مواجهه با دشمن، به یک اندازه در همه افراد گونه راه می‌یابد؛ به‌عنوان مثال ویروسی معین می‌تواند به راحتی همه افراد گونه را از بین ببرد؛ در حالی که تولیدمثل جنسی، تعداد بسیار زیادی ژنوم به وجود می‌آورد که به افراد همان گونه برمی‌گردد. هر زوج می‌تواند نقشه‌ای برای فرزندان خود تولید کند که کاملاً با نقشه ژنتیکی پدرانشان و نیز با نقشه برادرانشان متفاوت باشد.



بنابراین از آنجا که جهش دیر یا زود باید ویژگی

سید احمد الحسن رحمته‌الله علیه:

نوح عليه السلام با این قوم وارونه‌شده چه کند؟ کسانی که پاسخی برای سخنان مبارک و حکمتش ندارند، جز اینکه استهزا و مسخره کنند، ریشخند زنند و سپس به کشتن تهدیدش کنند. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۲، روشنگری از سخنان فرستادگان با عذاب‌شدگان



سرما: اما این واقعیت که انسان‌واره‌ها در ساواناهای گرم یا معتدل آفریقا زندگی می‌کردند و از سوی دیگر، محافظت در برابر سرما به وسیله لایه‌های چربی زیر پوست که در حال حاضر نیز وجود دارد، امکان‌پذیر است، این تئوری را در توضیح استفاده از لباس، ناکافی می‌نماید.

شرم و حیا: حیا پاسخی است که ژن‌ها در رقابت ژنتیکی با ژن‌های شرکای جنسی یافتند؛ شریکانی که می‌خواهند ژن‌های خود را بدون پذیرفتن مسئولیت و سختی پرورش فرزندان و هزینه‌های آن منتشر کنند. منظور از حیا در اینجا همان حیایی است که برای محافظت از اندام جنسی در برابر کسی غیر از همسر به کار می‌رود. شاید این‌گونه حیا سرآغاز استفاده از لباس‌هایی باشد که اندام جنسی را می‌پوشاند و هدف مدنظر را محقق می‌سازد.



علاوه بر این شاید بتوان گفت نیاز به لباس برای محافظت در برابر دشمنان و سلاح حیوانات شکاری بوده است، یا اینکه دست‌کم این عوامل انسان‌ها را به پوشیدن لباس تشویق کرده است. لباس‌هایی از پوست (حیوانات) به‌مثابه زره‌هایی

تولیدمثل جنسی را فراهم کند و از آنجا که انتخاب طبیعی باید این ویژگی را تأیید و تثبیت کند زیرا نتیجه تکامل، بقای شایسته‌تر است. تولیدمثل جنسی حالت ایدئال و آرمانی برای مقاومت گونه‌ها در برابر بیماری‌ها، امراض مُسری و دشمنان محسوب می‌شود و به این ترتیب تکامل باید به قابلیت تولیدمثل جنسی دست یابد.

قابلیت تولیدمثل جنسی غالباً نیازمند برخورد و نزدیکی زوج با یکدیگر است و این به معنای اجتماع آن‌ها در یک مکان واحد است. این گام اولیه در تشکیل خانواده پایدار محسوب می‌شود؛ البته فقط گامی است در ابتدای راه؛ زیرا آمیزش جنسی محدود به مواقع نیاز است که همان دوران باروری است. بنابراین به‌عنوان مثال در جنس ماده بیشتر موجودات، ابزارهایی برای اعلام آمادگی باروری تکامل یافته است و این، یعنی آمیزش جنسی دارای محدودیت‌هایی است و این شایستگی را ندارد که پایه و اساس تشکیل خانواده محسوب شود. مثلاً شامپانزه‌های ماده برای اعلام آمادگی جفت‌گیری، اعضای تناسلی خود را باد می‌کنند.

اما در خصوص انسان‌واره‌ها، گام بعدی برای تشکیل خانواده، **پوشیدن لباس** بود؛ که البته این کار به‌هیچ‌وجه تصمیم ساده‌ای به شمار نمی‌رفت؛ زیرا برای تأیید پوشیدن لباس توسط قانون انتخاب طبیعی می‌بایست دلیلی منطقی و قوی وجود می‌داشت؛ چون استفاده از لباس، اندام‌های تناسلی و نشانه‌های ویژه را می‌پوشاند و این به‌طور خلاصه به معنای دشوار شدن تشخیص زمان جفت‌گیری زنان و در نتیجه موفق‌نشدن در تولیدمثل بود. در خصوص پوشیدن لباس چندین تئوری مطرح کرده‌اند؛ از جمله:

سید احمد الحسن علیه السلام:

به‌طور معمول آغاز دعوت فرستادگان متکی بر شخصیت آن‌هاست آنچه قومشان آنان را با آن می‌شناختند و متصف بودن آنان به بالاترین خصایص اخلاقی و راستی در سخن و ادای امانت.

روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۲، روشنگری از معجزه و عذاب



ژن‌های خویش را به نسل‌های بعدی انتقال دهند. زیرا به‌طور خلاصه آن‌ها عمل جنسی انجام نمی‌دهند یا آن را به‌شکل محدود انجام خواهند داد و شاید این عمل ندرتاً با زمان باروری مصادف باشد. این موضوع سبب می‌شود ژن‌ها به‌طور محدود به نسل‌های بعدی انتقال یابد. افرادی که پی‌درپی آمیزش جنسی انجام می‌دهند، حتماً یکی از این آمیزش‌های آن‌ها با فصل باروری مصادف خواهد شد و در نتیجه این افراد در انتقال ژن‌های خود، بیش از دیگران موفق خواهند بود.» [۱]

بنابراین در این قسمت طبق کلام احمدالحسن رضی الله عنه دانستیم که گام اولیه در تشکیل خانواده، حرکت تکامل به سمت تولیدمثل جنسی بود؛ تولیدمثلی که غالباً نیازمند برخورد و نزدیکی زوج با یکدیگر است و این به معنای اجتماع آن‌ها در یک مکان واحد است.

اما قابلیت تولیدمثل جنسی در انسان‌واره‌ها دلیل کافی و پایه و اساس تشکیل خانواده محسوب نمی‌شود؛ بلکه گام مؤثرتر بعدی پوشیدن لباس بوده است. زیرا پوشیدن لباس به معنای دشوار شدن تشخیص زمان جفت‌گیری زنان و در نتیجه موفق نشدن در تولیدمثل بود که این مسئله می‌تواند سبب تشکیل خانواده برای موفقیت در تولیدمثل و انتشار ژن‌ها تلقی شود.

ادامه دارد ...

منابع:

[۱] احمدالحسن، توهّم بی‌خدایی: نشانه‌های پروردگار در هستی، ترجمه فارسی، ۱۳۹۷ ش، صفحه ۲۲۹ و ۲۳۱.

هستند که انسان را از شاخ حیوانات درنده و حتی از نیزه‌های دیگر گونه‌های انسان‌واره‌ها حفظ می‌کرده است و این می‌تواند دلیل انقراض انسان‌واره‌ها و بقای هوموساپینس تلقی شود؛ زیرا وی دریافت که سلاح تنها در تبر و نیزه محدود نمی‌شود؛ بلکه زره و لباس‌های چرمی نیز جزو سلاح‌ها محسوب می‌شوند. در حقیقت انتظار می‌رود که عمر زره‌های چرمی به اندازه عمر سلاح‌های سنگی باشد؛ به‌ویژه با توجه به این موضوع که پس از پاگرفتن صنعت اسلحه‌سازی و امکان شکار حیوانات فراوان، زره‌های پوستی به‌وفور فراهم شد.

اشکالی ندارد که این زره‌ها برای کسی که از آن‌ها استفاده می‌کند فواید دیگری نیز در بر داشته باشند؛ از قبیل محافظت در برابر سرما در آینده، و پوشاندن اندام جنسی و وفاداری نسبت به شریک جنسی.



می‌توان تصور کرد که با مرور زمان و در نتیجه پوشیدن لباس، عمل جنسی به تمایلی مداوم تبدیل شده است؛ زیرا افرادی که تنها پس از بروز نشانه‌های آمادگی جنسی، به انجام عمل جنسی مبادرت می‌ورزند، پس از پوشیده شدن نشانه‌های این آمادگی توسط لباس‌ها، نمی‌توانند

سید احمد الحسن رضی الله عنه:

اگر امروز محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بیاید و به زمین فرود آید و همراه او سوره قرآنی جدیدی باشد که از سوی خداوند سبحان و متعال آورده است، آیا مسلمانان می‌توانند این سوره را تشخیص دهند و یقین کنند که از سوی خداوند سبحان و متعال است؟ روشنگری‌هایی از

دعوت‌های فرستادگان، ج ۲، نشانه علمی



پاسخ امام احمد الحسن علیه السلام به اشکال شرعی یکی از معاندان

است، ضرری نمی‌رساند. کما اینکه مخاطب قراردادن ابلیس با وجود اینکه از جنس جن بوده، به لفظ ملائکه‌ای که اغلب حاضرین بوده‌اند، ضرری نمی‌رساند.

(و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس ابي...) (و زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، آنان سجده کردند؛ به جز ابلیس که سر باز زد).

و کما اینکه می‌بینی اگر صحیح باشد، اشکال کردن به این شکل خام و سفیهانه از چیزی که در شرایع نوشته‌ام، در واقع اشکال گرفتن از قرآن صحیح‌تر است.

و چیزی نمی‌گویم، جز اینکه خدا، عقل‌های کج‌فهم را زشت گرداند. آن‌هایی که گفتار حق را نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند.»

این پاسخ امام بود که با صبر و شکیبایی به این مسئله پاسخ دادند و جهل فرد اشکال‌گیرنده را مشخص کردند. منبع این پاسخ، کتاب پاسخ‌های فقهی متفرقه، ج ۵ است که در نسخه عربی آن در سایت المهدیون موجود است. برای مطالعه بر روی کتاب کلیک کنید.



نیست.»
عقرب و مار و وزغ ماده سائله نیستند و این واضح است و اگر داخل آب چاه بیفتند آن را نجس نمی‌کنند؛ به سبب اینکه آن‌ها نجس نیستند. پس چطور حکم به وجوب برداشتن از آب چاه شود، در حالی که پاک هستند؟
واضح است که در این تناقض وجود دارد.

آقای من! از شما خواهش می‌کنم و انتظار دارم، این اشکال را برطرف بفرمایید.

امام احمد الحسن علیه السلام در پاسخ به این مسئله، این‌گونه فرمودند:

«پاسخ: برداشتن از آب چاه، به سبب وجود عقرب و مار و وزغ نه از بابت نجس بودن آن‌هاست و من هم نگفتم که این‌ها نجس هستند [و] به همین سبب باید از آن، آب کشیده شود؛ بلکه زمانی که حکم نجاسات را بیان می‌کردم، حکم به عدم نجاست آن‌ها داده‌ام. همچنین بیان کردم: آبی که مرداری در آن باشد، از آن، آب خوردن و طهارت کردن صحیح نیست. به همین علت بود که سابقاً گفتم آب برداشته شود. و حکم برداشتن آب در این مسئله، به حکم برداشتن آب از آب چاهی که نجس

وقتی اشکالات وارده به حجت‌های الهی را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که از روی جهل و ناآگاهی، آن را مطرح می‌کنند و اگر اندکی اندیشه کنند، متوجه می‌شوند که اشکال آنان، دقیقاً اشکال به فهم خودشان است. یکی از مخالفین سوآلی را برای من مطرح کرده که در این پرسش بر علم سید احمد الحسن علیه السلام اشکال وارد کرده و گفته:

امام شما در کتاب شرایع الاسلام (احکام نورانی اسلام) صفحه ۱۰ گفته است: «و اما آب چاه، پس آن با ملاقات نجس می‌شود... و راه پاک کردن آب چاه این است که به اندازه نجاست از آب چاه بردارد و اگر عقرب و مار و وزغ در آب چاه افتادند، بین (۳۰ لیتر تا ۷۰ لیتر) به اندازه حجم حیوان و حال آن از آب چاه بردارد.»

این یعنی وزغ نجس است و اما در صفحه ۳۴ کتاب شرایع، زمانی که نجاسات را بیان می‌کرده، گفته که: «و وزغ پاک است و اما اگر موش یا موش صحرائی یا وزغ در آب قلیل افتادند، این آب دیگر قابل شرب و طهارت نیست و نیز اگر وزغ و عقرب و مار مرده در آب قلیل بیفتند، قابل طهارت و شرب

سید احمد الحسن علیه السلام:

شایسته است که انسان از غیر خودش عبرت گیرد؛ اگر کسی در گودالی سقوط کرده باشد، باید از راه و رفتار او دوری کند، تا در همان گودال سقوط نکند؛ چنین چیزی پذیرفته شده است. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳، روشنگری داستان یوسف عبرتی برای زمان ظهور مقدس



سجاد و زینب علیهما السلام

نامت قرین صبر که شد فخر صبر شد
آوازه صبرت کنون مشهور دهر شد

تا جسم بی جان حسین بگرفتی در آغوش
در دیده بارانی ات شد زندگی خاموش

من سالروز رقتت را کربلا دیدم
خوردم قسم که اشهدت در کود بشنیدم

با وسعت وجود خود بر من سپر شدی
انگار که، بعد از حسین زینب پدر شدی

بعد از پدر در اضطراب چادرت بودم
شرمندۀ گلایه‌های مادرت بودم

در فکر تازیانه‌ها بیمارتر شدم
در آرزوی بازگشت آن قمر شدم

یک شب به قد قرن‌ها فرسوده تر شدی
هرچه غم و بلا و مصیبت زبر شدی

اندوه، همچون چادری بر قامت نشست
لنجد زیبای تو با عباس رخت بست

صبرت به زیبایی دریا آشکارا شد
در خطبه‌های تو بلاها آشکارا شد

تا آخرین انفاس خود با عشق جنگیدی
حقا که زینب از علی آموزه‌ها دیدی

مانند زینب باش اکنون یاور مهدی
در بند ظلم و جور گریاری کنی مردی

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.

